

سیره سیاسی پیامبر اکرم (ص): محمد سیاستمداری کارگشته

شهریور ۲۲، ۱۴۰۲



آذرقلم: تاکنون در مورد اخلاق، رفتار و منش اجتماعی آخرین فرستاده خدا، حضرت محمد بن عبدالله (ص) مطالب مختلفی نوشته و بیان شده است. اما به نظر می‌رسد که به دیدگاه‌ها و موضع‌گیری‌های رسول اکرم (ص) در باب مسائل سیاسی یا همان سیره سیاسی وی کمتر پرداخته

شده است. همچنان که حضرت محمد (ص) از نظر مسائل دینی، عقیدتی، اخلاقی و فلسفی و ... یگانه دوران قبل و بعد از خود بوده و خواهد بود. در مسائل سیاسی نیز، با بهره‌گیری از هوش سرشار و اتصال به منبع اولوهیت، سرآمد همه بوده و در عین وجود همه اینها، وجود خاکی و زمینی‌اش، از او سیاستمداری متبحر و کاردان و تصمیم‌گیری زبده و خلاق ساخته است. سختی‌هایی که او در دوران کودکی و نوجوانی خویش کشیده بینش او را نسبت به مسائل اطراف خویش افزون ساخت. ما در این مقاله به چند نمونه از دیدگاه‌ها، موضع‌گیری‌ها و سیره سیاسی حضرت محمد (ص) می‌پردازیم.

1- فضای خمود و جمود و جهل و ظلمت حجاز در آن مقطع تاریخی، تحرک و اقدام به هرگونه فعالیت سیاسی را غیرممکن می‌کرد اما نگاه

“محمد” به سرنوشت انسان و رنج و زجری که او از مشاهده غفلت و جهالت بشریت متحمل می‌شد، او را به سوی کار سیاسی و تدبیر امور حجاز راغب کرد. اولین نگاه سیاسی او به اوضاع روز را می‌توان در حضور پرشور و فعال او در پیمان جوانان حجاز مشاهده کرد. محمد(ص) خود از بنیانگذاران “حلف الفضول” بود، پیمان معروفی که تقریباً در اکثر کتب و منابع تاریخی، از آن به نیکی یاد شده است.

محمد(ص) و جمعی از جوانان نیکاندیش و جوانمرد مکه، گرد هم آمدند و با تبری جستن از ظلم و خودخواهی با یکدیگر عهد بستند که در برابر ستم و زورگویی بایستند و به یاری مستمندان و بی‌پناهان و ستمدیدگان بشتابند.

تشکیل این پیمان جدید، زیر ساخت‌ها و بدعت‌های چندین ساله حجاز و اعراب بادیه نشین عربستان را برهم زد. چرا که این پیمان، با امیال شیطانی و ستمگری و بی‌اعتقادی‌آبا و اجداد آن جوانان جسور کاملاً در تضاد بود بنابراین می‌توان این پیمان را اولین حرکت سیاسی ثبت شده حضرت محمد(ص) در تاریخ قلمداد کرد.

2- نحوه دعوت نبوی در ابتدای مبعوث شدنش به پیامبری نیز، رگه‌هایی از تدبیر و سیاست دارد.

نگاه محمد(ص) به اوضاع جامعه آن روز، نگاهی واقع‌بینانه و منبعث از تدبیر و اندیشه بوده است. او می‌دانست که در آن اوضاع خفقان و سیاهی و بت‌پرستی، هرگونه حرکت و اقدام در راستای “دعوت به یکتاپرستی” محکوم به شکست است. بنابراین محمد(ص) دعوت و رسالت خویش را سه سال بر مبنای “اختفاء” بنیان نهاد. او سه سال خانه به خانه، فرد به فرد و صحرا به صحرا، مخفیانه تلاش و ایثار و سیاست نمود تا پس از طی این مدت و افزون شدن یاران خداپرست، دست به اعلان عمومی و ایفای رسالت رسمی نبوت خویش بزند. اگر نبود تدبیر و سیاست آخرین فرستاده خدا، پیام رسالت در نطفه خفه می‌شد و در آن اوضاع تاریک و ظلمانی، “نه از تاک، نشانی می‌ماند و نه از تاک‌نشان”!

اما محمد(ص) درس آموخته مکتب وحدانیت و بزرگ شده در دامان خاندان پاک و خداپرستی به سرپرستی جد بزرگوارش “عبدالطلب” (متولی آن روز کعبه) بود. او خوب می‌دانست که یک حرکت نسنجیده، می‌تواند، برای قرن‌های متمادی، بشریت را در سیاهی و ضلالت، به حال خود رها سازد. بنابراین سیاست اختفاء را در آن مقطع زمانی و مکانی به مورد اجرا گذاشت.

3- جنگ بدر، نخستین رویارویی مستقیم و بزرگ سپاه محمد(ص) با لشکر

کفر و شرک بود. بضاعت اندک نظامی سپاه اسلام، با تدبیر و سیاست فرمانده لشکر، در برابر سپاه عظیم ابوسفیان، پیروز شد. با هیچ یک از معادلات نظامی آن دوران، نمی‌توان حتی احتمال درصدی پیروزی را به سپاه محمد داد اما رسول اعظم(ص) با برانگیختن شور شهادت در وجود نیروهای نظامی و محروم خویش، تزریق روح شجاعت و جوانمردی و ایثار به پیکره سپاه، طراحی نقشه‌ای عالی و کارآمد، آرایش نیروهای پیاده و سواره و انتخاب فرماندهی دلیر و بی‌باک (حمزه و علی (ع)) توانست بر لشکر پرزرق و برق و عظیم کفر غلبه نماید. سیاست محمد و استراتژی نظامی او در این جنگ هنوز هم در بسیاری از محافل نظامی و تاریخی، به بحث و بررسی گذارده می‌شود.

4- دومین جنگ یاران حضرت محمد(ص) با لشکر کفر، هرچند به ظاهر به نفع ابوسفیان خاتمه یافت اما این ناکامی سپاه اسلام، چیزی از ارزشهای طراحی جنگی و بینش نظامی - سیاسی حضرت محمد(ص) کم نمی‌کند، او قبل از جنگ، به حساسیت و اهمیت‌گرفته مشرف به میدان جنگ واقف بود، بنابراین تاکتیک جنگ خویش را بر مبنای حفاظت و حراست از آن‌گرفته استوار کرد هرچند که زیاده‌خواهی و ساده‌انگاری برخی از جنگجویان سست‌عنصر، به ضرر لشکر اسلام تمام شد. اما با این حال، با درایت فرماندهان جنگ و تدبیر حضرت محمد(ص) دشمن از دستیابی به پیروزی حتمی و نهایی ناکام ماند.

5- سیاست محمد(ص) یا همان سیره سیاسی او در بعد از پایان جنگ‌ها نیز بسیار آموزنده و ابتکاری است.

- او دستور داد هر اسیری که به 10 مسلمان، سواد خواندن و نوشتن بیاموزد آزاد است!
- او دستور داد، هیچ یک از مسلمانان حق ایذاء و اذیت اسیران جنگی را ندارند و باید با آنها با احترام برخورد شود.
- او یاران خویش را از هرگونه بی‌احترامی نسبت به کشته‌های دشمن بازداشت.
- او تعقیب دشمن را تا حد رفع خطر تهاجم مجدد دشمن مقبول می‌دانست.
- او جنگ با زنان و کودکان غیرمسلح را ممنوع کرد.
- او به پدیده "جنگ" تنها با دید یک تئوریسین جنگی و یا یک ژنرال و فرمانده جنگی نگاه نمی‌کند. پیامبر از جنگ و خونریزی هدف والا و نهایی دارد، هدف او بسط و توسعه اسلام و خداپرستی، رفع تجاوز دشمن، دمیدن روح امید و پیروزی بر پیکره سپاه است. او جنگ را آخرین روش مقابله و مبارزه می‌داند نه اولین راه!

توافق او با بزرگان قوم یهود و مباحله و مذاکره او با ادیان دیگر، نمادی از روح صلح‌طلبی و آرامش‌خواهی او در برخورد با رویدادهای جامعه است. او همه را به خداپرستی و آئین انسان ساز اسلام فرا می‌خواند و در این راه از هیچ کوششی فروگذار نمی‌کند. تعدی‌ها، مشقت‌ها و مصیبت‌ها را تحمل می‌کند اما هرگز در برابر ظلم و جور و بی‌احترامی نیز ساکت نمی‌نشیند. یعنی در برابر زیاده‌خواهی جابران زمان و تجاوز و استعمارگری بیگانگان و مشرکان نه تنها سکوت نمی‌کند بلکه به مبارزه و جنگ بر می‌خیزد. سیاست، "صلح و جنگ" او آمیخته با ریزه‌کاری‌ها و تدابیر اندیشمندانه‌ای است که تنها در قاموس یک رهبر کامل دینی - سیاسی معنی پیدا می‌کند که قرن‌ها جلوتر از افکار زمان خویش می‌اندیشد و عمل می‌کند. استراتژی نظامی او بخشی از سیره سیاسی او و این هر دو تراویده از روح متعالی و خداجوی او بود.

6- به نمونه دیگری از کردانی و سیاست حضرت محمد(ص) اشاره می‌کنیم.

"جنگ خندق" یکی از بارزترین و مثال‌زدنی‌ترین ابتکارات و دوران‌دیشی‌های حضرت محمد(ص) است. او هرگز در عرصه نبرد نیز، سیاست دیکتاتوری و خود رایی را پیش نگرفت. جمعی از زعمای قوم و بزرگان و کارشناسان جنگی و یاران معتمد خویش را گردآورد و در مورد جنگ، نحوه جنگ و اتخاذ تاکتیک‌های نظامی با آنها به بحث و بررسی پرداخت و در همین بحث‌ها بود که بار دیگر بر ضرورت اصل مشورت و مشاوره‌جویی در تمام مراحل و موارد، حتی در موضوع حساس و حیاتی چون جنگ نیز تاکید کرد. او پیامبر بود، می‌توانست با علم الهی و با قدرت کاریزمای خویش و به تبع آن، اطاعت پذیری محض نیروها و اطرافیان، تاکتیک جنگی را بر آنها تحمیل کند اما او هیچ‌گاه، آینده اسلام را با تصمیمات زودگذر و آنی معاوضه نمی‌کند.

پیامبر، به عنوان رهبر سیاسی - نظامی مسلمانان، به حرف‌های سلمان فارسی، آمده از دیار عجم گوش فرا می‌دهد و دیده‌ها و تجارب و نظرات او را به کار می‌بندد. در ادامه شاهدیم که این سیاست پیامبر(ص)، تا چه اندازه موفق و کارآمد بوده است. به گونه‌ای که حفر خندق، هم حس مشارکت و همکاری بین اقشار مختلف مسلمان و ساکنان مدینه را تقویت نموده، هم از تجاوز دشمن جلوگیری می‌کند و هم اینکه قهرمان نامدار مشرکین را به دیار فانی می‌فرستد. در برنامه‌ریزی برای اداره جامعه، پیامبر هرگز سیاست یک بعدی را در نظر نمی‌گیرد. نگاه او تمام جانبه و همه بعدی است. سیاست او در تعیین استراتژی‌های جنگی نیز به رغم گذشت سالیان بسیار برای همه سیاستمداران امروزی

تازه، ناب و آموزنده است.

7- جنگ تبوک و اعزام نیرو به سرزمین امپراتوری روم نمونه دیگری از کاردانی و تدبیر پیامبر است. او هرچند در این غزوه وارد کارزار نظامی رسمی نمی‌شود، اما شم سیاسی او، در نهایت با پیروزی لشکر اسلام، دفع تهدیدات دشمن، غلبه و کامیابی مسلمانان و حفاظت و حراست از مرزهای جهان اسلام همراه بوده است.

سخن آخر

در مورد مردی که خلقت، فلسفه وجودی‌اش را از او یافت و برای شخصیتی که پیر و جوان، خرد و کلان، عرب و عجم، شاه و گدا، مسلمان و مسیحی و نصارا و همه و همه بر یگانه بودن شخصیت‌اش اقرار و ایمان دارند سخن گفتن بسیار آسان است، چون می‌توان تمام خصایل اخلاقی، رفتاری و کرداری نیکو را کنار هم چید تا آفتابی بی‌افول از چهره محمد(ص) طلوعی ابدی نماید.

همچنین می‌توان گفت سخن گفتن درباره‌اش بسیار سخت و ناممکن است چرا که هرگز بضاعت جسمی و روحی، ظرفیت فکری و باورهای دینی و عقیدتی ما، که خود را پیرو و دنباله‌رو چنان شخصیتی می‌دانیم، در آن حد و اندازه نیست که اقیانوس وجودش را به تصویر کشد. پس هرچه از قلم بر لوح فرو می‌غلطد به منزله قطره ناچیزی است از اقیانوس بیکران شخصیت آن فرزانه خلقت.

آب دریا را اگر نتوان چشید هم به قدر تشنگی باید چشید و اگر در این فرصت کوتاه و مجال اندک به گوشه‌ای از شخصیت زندگی دنیوی پیامبر اعظم(ص) پرداخته شده، بیانگر تمام وجوه و ابعاد شخصیتی ایشان نیست. هم می‌توان گفت که: محمد(ص)، پیامبری است که او را باید از نو شناخت! و هم می‌توان ایمان آورد که: محمد(ص) پیامبری شناخته شده است.

وجوه رفتاری و گفتاری او بیشتر مدنظر دین‌مداران، جامعه‌شناسان و روانشناسان بوده و ابعاد کارهای سیاسی‌اش، کمتر مورد تحقیق و مذاقه و آموزش قرار گرفته است.

سیاستی که پیامبر اعظم دین مبین اسلام در پیش گرفت، بر مبنای صداقت، رعایت اخلاقیات و حفظ مصلحت استوار بوده است.

شاید کمتر سیاستمداری را در طول تاریخ یافت که بتواند با رعایت همه این شاخصه‌ها و معیارها، بر قلبها و جانهای میلیون‌ها و میلیاردها انسان عاشق در طول اعصار حکومت کند. چرا که محمد(ص)، تنها "سیاست" نبوده است و سیاست او هرگز با دروغ و گزافه و خیانت هم‌خانه نبوده است. او "سیاست" را به مفهوم واقعی آن یعنی تدبیر،

اندیشه، کیاست و مصلحت و سعادت انسان و بویژه مسلمانان به کار
برد.